

به رغم حاکمیت یکدست ، مدیریت یکپارچه نیست

گفتوگویی «اعتماد» با فاطمه راکعی

«حاکمیت یکدست» ظاهراً راهبردی است که بخشی از نیروهای سیاسی امیدوارند بتوانند راهگشای کشور در مسیر پرفراز و نشیبی باشد که حالا میانه آن قرار گرفته‌ایم. این تعبیر به‌خصوص در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم و پس از آن، در سطح رسانه‌ها و فضای مطبوعاتی مورد استفاده قرار گرفت و درحالی‌به‌حضور نیروهای سیاسی با گرایش جناحی نزدیک به هم، راس نهادهای مختلف تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز در کشور اشاره دارد که حالا حدود یک سال و نیم بعد از روی کار آمدن مجلس یکدست اصولگرای یازدهم به ریاست محمدباقر قالیباف، شاهد تحولاتی اساسی طی همین چندماه اخیر نیز بودیم. تحولاتی که همگی به‌نحوی از انتخابات 28 خردادماه 1400 نشأت گرفته و بر این پایه، درحالی‌که خروجی مهم‌ترین انتخابات آن روز، ریاست‌جمهوری ابراهیم ریسی و تشکیل دولت سیزدهم به ریاست ریسی وقت قوه قضاییه بود، پیروزی ریسی به‌عنوان کاندیدای اصلی جناح راست متعاقب‌انجر به آن شد که تغییر و تحولی بسیار مهم راس قوه قضاییه نیز رقم بخورد. تحولی که به‌موجب آن و با حکم رهبری نظام، غلامحسین محسنی اژه‌ای قائم‌مقام حدود یک دهه گذشته قوه قضاییه به ریاست این قوه رسید تا به‌جای ریسی مسیری را در دستگاه قضایی دنبال کند که «تحول قضایی» نام گرفته بود.

همزمان اما انتخابات دیگری هم در همان روز 28 خردادماه 1400 برگزار شد. انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا که دوره ششم آن به‌خصوص در پایتخت، تحولاتی اساسی را در بخش‌هایی مهم از حاکمیت رقم زد و بر این اساس، درحالی‌که اصولگرایان هر 21 کرسی شورای شهر تهران را یکجا تصاحب کردند و متعاقباً ریاست این شورا را نیز از میان خود برگزیدند، در ادامه با انتخاب بحث‌انگیز علیرضا زاکانی به‌عنوان شهردار جدید پایتخت، یکی دیگر از کرسی‌های مهم و کلیدی در ساختار سیاسی مملکت نیز به اصولگرایان رسید. این روند همچنین با معرفی وزیران پیشنهادی ریسی و کسب رای‌اعتماد 18 نفر از 19 مرد موردنظر ریسی دولت سیزدهم ادامه یافت و کابینه‌ای یکدست اصولگرا را راهی پاستور کرد. در چنین اوضاع و احوالی و در شرایطی که بسیاری از کنشگران و ناظران عرصه سیاست، نسبت به عواقب تک‌صدایی در اداره مملکت و نشنیدن صدای منتقدان هشدار می‌دادند، مشی و روشی ازسوی روسای قوای مجریه و قضاییه اتخاذ شد که دور از انتظار بود و در عین حال امیدوارکننده. آنجا که ابراهیم ریسی و به‌خصوص محسنی اژه‌ای بلافاصله پس از آغاز کارشان راس دو قوه مجریه و قضاییه سراغ رقباتی سیاسی را گرفته و در تماس‌هایی با اصلاح‌طلبان از آنان برای همکاری در اداره مملکت یاری طلبیدند. اصلاح‌طلبان هم که همواره بر لزوم شنیدن صداهای متفاوت از جانب حاکمان تاکید می‌کردند، این فرصت را مغتنم شمرده و برای اثبات ادعایشان هم که شده، به استقبال از

این مشی تازه روسای قوای مجریه و قضاییه رفتند و گفتند که آنچه را که از اداره مملکت میدانند با رییس‌جمهوری و رییس قوه قضاییه در میان خواهند گذاشت. در این میان اما ظاهراً این نگاه در مجلس چندان مورد توجه نبود و حتی در مواردی شاهد آن بودیم که برخی نمایندگان صراحتاً صدای منتقدان را مورد بی‌توجهی قرار دادند.

نکته‌ای که این اواخر در جریان یکی از جنجالی‌ترین اقدامات پارلمان که همان بررسی طرح صیانت باشد، به نحوی دیگر به چشم آمد و بر این پایه برخی نمایندگان مجلس، منتقدان و مخالفان را مورد اتهام قرار داده و در یک نمونه، رییس کمیسیون فرهنگی مجلس صراحتاً از این گفت که بی‌توجه به انبوه منتقدان، اهداف خود را دنبال می‌کند. این رویه همچنین طی روزهای گذشته و در پی انتشار خبری نگران‌کننده از اصفهان و در ارتباط با تیراندازی به زنان ساکن این شهر و آزادی فرد متهم با قید وثیقه در حالی تکرار شد که این بار، نماینده اصفهان نقش‌اول را ایفا می‌کرد. نماینده‌ای که نه تنها حاضر به پذیرش نگرانی شهروندان نبود، بلکه سعی کرد با وارونه جلوه دادن واقعیت، شهروندان نگران را به نیت سو و انگیزه‌های سیاسی متهم کند.

این درحالی است که بسیاری از زنان فعال در عرصه‌های سیاسی و مدنی نیز نه امروز و این چند روز گذشته، بلکه از چندین ماه پیش نسبت به برخی مواضع بعضی نمایندگان گلایه دارند. در این میان اما فاطمه راکعی، از جمله زنان شاخص فعال در عرصه سیاست که به واسطه سال‌ها فعالیت فرهنگی در قامت یکی از مهم‌ترین شعرای پس از انقلاب، علاوه بر آنکه چهره‌ای برجسته در عالم سیاست به حساب می‌آید، در عرصه فرهنگ و هنر و ادبیات نیز مطرح و صاحب‌نظر است، نسبت به این تفاوت رویکرد در مواجهه با اصلاح‌طلبان از جانب بخش‌هایی از حاکمیت گلایه دارد و نسبت به عواقب این رویه متناقض هشدار می‌دهد. او که به‌رغم سال‌ها فعالیت سیاسی و فرهنگی، این اواخر آن‌طور که تلویحاً و به اشاره گفته به دلیل پاره‌ای بد اخلاقی‌های سیاسی چندان تمایلی به حضور در صحنه ندارد و حتی کمتر به مصاحبه و اظهار نظر مطبوعاتی پا می‌دهد، این بار با «اعتماد» به گفت‌وگو نشست و با اشاره به چند تجربه‌ای که در این راستا دارد، از این تناقضها می‌گوید که در ادامه می‌خوانید.

خانم راکعی! امروز کشور در شرایطی خاص قرار گرفته که بر اساس آن، همزمان با بالاگرفتن مشکلات اقتصادی و سیاسی، پس از چند انتخابات و تحولات ناشی از انتصاب برخی مقام‌های ارشد در ساختار سیاسی کشور، با نوعی حاکمیت یکپارچه و یکدست روبرو هستیم. تحلیل‌تان از شرایط کنونی چیست و آیا فکر می‌کنید این شرایط خاص می‌تواند منجر به حل مشکلات شود؟

شرایط سیاسی امروز کشور به‌جهت گوناگون محل انتقاد است. ما در این مدت شاهد شرایط و اوضاعی بودیم که در پی آن جناح اصولگرا موفق

شد قدرت را در هر سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه به دست بیاورد و به خصوص در بخشهایی که به هر حال به عنوان قوای انتخابی شناخته میشوند و حضور افراد در این جایگاهها میبایست با رای شهروندان و مطابق خواست آنان انجام شود، متأسفانه شاهد بودیم که تحولات برخلاف ضوابط و انتظاریهای متنی بر قانون انجام گرفت و عملاً طیفهایی از جناح راست که در پی تصاحب قدرت بودند، چهره‌های شاخص و طیفهای سیاسی اصلاح طلب را کنار زدند و اکنون شاهدیم که قدرت به طور یکدست و یکپارچه در اختیار اصولگرایان است. با این حال واقعیت آن است که به رغم آنکه اصولگرایان قدرت یکپارچه را در اختیار دارند اما نه تنها مشی و راهبردی مشترک و همگن از سوی آنان در بخشهای مختلف دنبال نمیشود، بلکه مواجهه و برخوردی که با رقیب و شخصیت‌های جریان اصلاحات، به عنوان يك جریان اصیل سیاسی در کشور صورت گرفته و می‌گیرد، منسجم و یکدست نیست و بعضاً حتی رفتاری ضدونقیض از جانب بخشهای مختلف حاکمیت با اصلاح طلبان صورت می‌گیرد.

احیاناً امکان دارد کمی شفاف‌تر در این رابطه توضیح بدهید؟

به طور کلی می‌توان گفت که در حال حاضر 2 نوع مشی و رویکرد متفاوت در مواجهه با اصلاح طلبان در بخشهای مختلف حاکمیت دیده میشود. به این ترتیب که يك مشی در رفتار و مواجهه آقایان ریسی و اژه‌ای دیده میشود که بلافاصله پس از آنکه زمام امور را در دو قوه مجریه و قضاییه به دست گرفتند، طی فراخوان‌هایی اعلام کردند که همه نخبگان سیاسی، فارغ از مشی و گرایش جناحی که دنبال میکنند، به میدان بیایند و تأکید کردند که مایل به شنیدن نقد و نظر چهره‌های شاخص سیاسی و نخبگان جامعه هستند و آمادگی دارند که از ظرفیت همه نیروها در مقابله با مشکلات پیچیده‌ای که کشور با آن روبروست، استفاده کنند. اصلاح طلبان نیز در مقابل، غالباً استقبال کرده و آنچه را که در صورت استقرار يك دولت اصلاح طلب در اختیارش قرار میدادند، بدون هیچ چشمداشت و انتظاری به مسوولان جدید در دولت و قوه قضاییه ارائه دادند تا بار دیگر این مهم به اثبات برسد که مهم‌ترین خواست و اولویت اصلاح طلبان استقرار امنیت و آرامش در کشور و دستیابی به رفاه عمومی اقتصادی و توسعه سیاسی است. در واقع اصلاح طلبان سعی کردند این طلب همکاری از سوی روسای جدید قوای مجریه و قضاییه، هر آنچه در چنته دارند، ارائه کنند؛ به این امید که بالاخره پس از سالها فراز و فرودی که در عرصه سیاسی شاهد بودیم، مسوولان جدید به این نتیجه رسیده‌اند که باید به مطالبات و

خواسته‌های مردم توجه شود، مشکلات اقتصادی کشور با نگاهی منطقی مورد بررسی قرار گیرد و به اختلاف‌هایی که منجر به عدم تامین نیازهای ابتدایی مردم شده، پایان داده شود.

د و ضمن تامین زمینه‌های عدالت اجتماعی، شرایط را برای فعالیتهای سیاسی فراهم شود و در عین حال به وضعیت زندانیان سیاسی و حصر و محدودیتهایی که طی این سالها شاهد بودیم، رسیدگی شود. همچنین مسائل حوزه دیپلماسی را با نگاهی منطقی دنبال شود تا به این ترتیب، اکنون که قدرت عملاً در اختیار یک طیف سیاسی است، دست‌کم ثبات و آرامش بر کشور حاکم گردد و به نحوی اعتماد از دست رفته مردم را به آنها بازگردانند. همان‌طور که گفتم با این تلقی اصلاح‌طلبان پیرو درخواست همکاری و تعاملی که از جانب مسوولان، به‌طور مشخص در قوای مجریه و قضاییه صورت گرفت، وارد گود شوند و آنچه را که در نظر داشتند، در اختیار مسوولان قرار دادند. اما واقعیت این است که بخش‌های مختلف حاکمیت با چنین نگاهی با مسائل روبرو نشده‌اند و متأسفانه به نظر می‌رسد بخشی از نیروهایی که ذیل جریان اصولگرا به قدرت رسیده‌اند، رویکردی متفاوت را دنبال می‌کنند و در مجموع، یکدستی و یکپارچگی دیده نمی‌شود.

اشاره‌تان به کدام بخش‌های حاکمیتی است؟

متأسفانه در مجلس و همین‌طور شوراهای اسلامی شهر و روستا در این مدتی که فعالیت می‌کنند، مشی و رویکردی دنبال می‌شود که بسیار نسبت به آنچه در قوای مجریه و قضاییه شاهدیم، متفاوت است. چنان‌که گاهی برخوردهایی با مسائل و موضوعات صورت می‌گیرد که به هیچ عنوان با شعاری که مطرح می‌شود، همخوانی ندارد. به عنوان مثال شاهدیم یک نماینده مجلس یا یک عضو شورای شهر به‌راحتی از طریق تریبون رسمی پارلمان و شورا، بدون حداقل مطالعه و آگاهی درباره یک مساله، به‌راحتی از برخی افراد و چهره‌های شاخص نام می‌برد و اتهاماتی بی‌اساس را وارد می‌کند. این رفتار به‌خصوص وقتی علیه زنان صورت می‌گیرد، نگرانی‌ها را دوچندان می‌سازد. چراکه چنین رفتارهایی علیه زنانی شناخته شده مطرح می‌شود که دهه‌هاست بدون کوچک‌ترین چشم‌داشت، در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی کار و تلاش می‌کنند.

مشکلات زنان البته مختص امروز و دیروز نیست اما در مدت اخیر به نظر می‌رسد اوضاع به نسبت نامساعدتر از گذشته بوده است. به عنوان مثال در شرایطی که حضور زنان در کابینه در زمان دولت روحانی دست‌کم به عنوان یک مطالبه مطرح بود، در جریان تشکیل دولت سیزدهم

این بحث حتی در سطح طرح مطالبه هم چندان مطرح نشد. این شرایط را می‌توان به دیگر مسائل هم تعمیم داد. مشخصاً تحلیل شما از نگاه مجلس یازدهم به مسائل زنان چیست؟

در شرایطی که احترام به شأن و جایگاه زنان همواره در فرهنگ ما مورد تأکید بوده و با پیروزی انقلاب اسلامی نیز شاهد تقویت این رویه بودیم، چنان‌که امام خمینی به تأکید می‌گفتند که زنان باید در تمامی مقدرات مملکت دخالت داشته باشند، متأسفانه در این مجلس بعضی رفتارهای ناپسند صورت می‌گیرد که موجب دلسردی است. طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اقدامات موثر فراوانی با تلاش‌های زنان در راستای احقاق حقوق آنان انجام شده و علاوه بر آنکه زنان در سطح جامعه حضوری گسترده پیدا کرده‌اند، وارد دانشگاه‌ها شده و به موفقیت‌هایی چشمگیر در مدیریت‌های اجتماعی و سیاسی دست پیدا کردند و منشأ اثر بوده‌اند، متأسفانه در مجلس اتفاقاتی می‌افتد که موجب نگرانی است. نگران‌کننده‌تر این است که از سوی مدیریت جلسات و دیگر نمایندگان نیز واکنشی درمقابل چنین رفتارهایی صورت نمی‌گیرد. صحبت‌های زیادی درمورد طرح‌ها و لوایحی که در مجلس مطرح است یا باید باشد، می‌توان کرد؛ ولی این مساله که يك نماینده از تریبون رسمی مجلس با طرح سفر تعدادی از نمایندگان مجلس گذشته یا فعالان حوزه زنان به قم، با خلط مبحث، اتهام‌هایی را مطرح کند، به قدری عجیب و غیرقابل هضم است که قبل از هر چیز دیگری باید به آن پردازم.

ماجرای این سفرها چه بوده است؟

ببینید بحث دو سفری است که تعدادی از زنان به قم داشتند. یکی سفری است که بیش از 2 دهه قبل، در زمان مجلس ششم، هنگامی که بنده ریاست فراکسیون زنان پارلمان را برعهده داشتم، انجام شد و ما در قالب فراکسیون زنان به منظور دیدار و گفت‌وگو با مراجع و علمای برجسته به قم رفتیم تا به‌طور مشخص درباره بحث دیه زنان گفت‌وگو کنیم. هدفمان هم این بود که فارغ از دیدگاه‌های جناحی و سیاسی، از علما و فقهای برجسته ساکن قم درباره ریشه‌های این مساله پرسوجو کنیم تا روشن شود که آیا ریشه این حکم اسلام که دیه زن را نصف دیه مرد در نظر می‌گرفت، به مسائل اقتصادی بازمی‌گردد یا واقعاً ناشی از نگاه توأم با تبعیض است که عموماً این مساله مطرح شد که علت تفاوت در میزان دیه به مسائل اقتصادی مربوط است و قرار بر این شد که هم علما و هم ما در فراکسیون پیگیر باشیم تا مساله دیه

زنان در مجلس تعیین تکلیف شود. يك سفر هم مربوط به سال 88 است که پس از حوادث ناشی از انتخابات بحث‌انگیز ریاست‌جمهوری آن سال، تعدادی از خانم‌ها به منظور استمداد از علما و توضیح ماجرا برای ایشان به این سفر رفتند تا بتوانند فضا را به نحوی مدیریت کنند که با کمترین مشکل از آن شرایط عبور کنیم. مساله حائز اهمیت این است که هیچ‌کدام از آن سفرها غیرقانونی نبود و اتفاق بدی نیفتاده است. خانم‌ها که با عناصر ضدانقلاب دیدار نکرده‌اند، سفرمان به منظور دیدار با علما و مراجع بوده و هدفمان هم کاملاً روشن است. اما اینکه اکنون پس از سال‌ها این‌طور به گذشته نقب می‌زنند، خلط مبحث می‌کنند و با لحنی توهین‌آمیز اقدام به اتهام‌زنی می‌کنند، بسیار عجیب و حیرت‌آور است. از طرفی می‌بینیم اسامی زنانی را که کاملاً شناخته شده هستند، به غلط و به‌طور نادرست عنوان می‌کنند و خانمی را که به هر حال سال‌ها در عرصه‌های مختلف سیاسی و مدنی در بالاترین سطوح فعالیت کرده و برای جامعه کاملاً آشنا است، به نام همسرشان معرفی می‌کنند.

این درحالی است که رهبری بارها تاکید کرده‌اند که اصلاح‌طلبی و اصولگرایی دو بال يك پرواز هستند و باز این درحالی است که از سوی دو قوه دیگر مملکت با شخصیت‌های اصلاح‌طلب تماس گرفته‌اند و از آنان برای همکاری و مشورت برای اداره مملکت کمک خواسته می‌شود. این رفتارها کاملاً متناقض است و آقایان برای رفع این تناقض باید فکر جدی بکنند.

به نظر شما علت این دوگانگی در رفتار حاکمیت آن‌طور که تشریح کردید، چیست؟

علت را نمی‌دانیم اما انتظار و توقع‌مان این است که وقتی ما ملتزم به قانون اساسی فعالیت کرده و می‌کنیم، به فعالیت‌هایمان نگاهی منطقی وجود داشته باشد و اتهام ناروا وارد نشود. به هر حال با توجه به مشکلات عدیده که کشور با آن روبروست و وضعیتی که چه به لحاظ منطقه‌ای و چه به لحاظ بین‌المللی داریم باعث شده که حاکمیت به این نتیجه برسد که در صورتی یکدستی و یکپارچگی باشد، بهتر از پس حل مشکلات برخوردار خواهد آمد. ظاهراً ما نیز به‌رغم آنکه معتقدیم وقتی يك جامعه ماهیتاً چندصدایی است، نیاز به شنیدن همه صداها دارد اما به هر تفسیر تصمیم اتخاذ شده را به فال نیک گرفته، هرگاه از ما نظر خواستند و یاری طلبیدند، اعلام آمادگی کرده و هرچه در توان داشتیم، با آن‌ها در میان گذاشتیم اما اینکه در این شرایط که

انتظار می‌رود حاکمیتی واحد و یکپارچه اعمال شود اما بخشی از حاکمیت مسیر خود را دنبال کند، قابل درک نیست. علت هر چه باشد، این شرایط قابل قبول نیست و نباید مردم را بیش از این درگیر تناقض کنیم.

یک مورد دیگر هم اخیراً در شورای شهر رقم خورد و یکی از آقایان بدون مطالعه و تحقیق، اتهام‌هایی ناروا را به انجمن شاعران ایران وارد کرد. بعد از بیش از 2 دهه فعالیت مستمر و موفق انجمن شاعران ایران، و مصاحبه‌های متعددی که مسئولان این انجمن در مواقع مختلف داشته‌اند، دیگر همه میدانند که شهرداری تهران در سال 78 ملکی را با توافق‌نامه رسمی در حضور فرهنگیان و شعرا در اختیار خانه شاعران ایران قرار داده تا فعالیت‌های این نهاد صنفی در آن مکان دنبال شود. مکانی که سال‌هاست به عنوان خانه دوم بزرگانی چون زنده‌یادان قیصر امین‌پور، مشفق کاشانی، محمود شاهرخی و ساعد باقری و بسیاری از شاعران شناخته‌شده کشور فعالیت می‌کند. مکانی که در عین حال در کنار دفتر شعر جوان سال‌هاست فعال دارد و جریان شعر پویا و مطرح کشور حاصل تلاش‌های مستمر بزرگان شعر در این نهاد است. اما ناگهان می‌بینیم یک چهره اصولگرا با اطلاعات غلط، مسائل کذبی و اتهام‌هایی را علیه افرادی مطرح می‌کند که مسئولیت رسمی و حقوقی در این نهاد دارند و این کار به هیچ عنوان در شأن نهادی چون شورای شهر نیست. متأسفانه این ناهماهنگی‌ها بسیار نگران‌کننده است و نیاز است به آن رسیدگی شود.

اگر قرار است مسائل کشور با یکدست شدن نیروهای سیاسی مدیریت شود و به سویی حل مسائل و مشکلات کشور گام برداریم، لااقل فضا را به نحوی مدیریت کنند که دست‌کم شاهد این مسائل نباشیم. اما متأسفانه آنچه در شورای شهر و البته مجلس شورای اسلامی شاهد بودیم، با انتظاری که قوای مجریه و قضاییه ایجاد کردند، تعارض دارد.

شما به تفاوت عملکرد قوای مجریه و قضاییه نسبت به آنچه در مجلس یا شوراهای شهر شاهد هستیم، اشاره کردید. همزمان شاهد آن هستیم که بسیاری از چهره‌های سیاسی نیز نسبت به عملکرد اخیر آقایان ریسی و به‌خصوص محسنی اژه‌ای در قوای مجریه و قضاییه استقبال کرده یا لااقل معتقدند تا اینجای کار مسائلی را در سطح کلام مطرح کرده‌اند که دور از انتظار است و معتقدند که باید فرصت داد تا در عمل نیز شاهد به اثبات رسیدن این شعارها باشیم. در عین حال اما برخی ناظران معتقدند که به عنوان مثال آقای اژه‌ای اگرچه به‌تازگی به ریاست قوه قضاییه رسیده‌اند اما سال‌ها قائم‌مقام ریسی این قوه بوده‌اند و

اینکه چرا در گذشته از همان جایگاه قائم مقامی برای پیشبرد آنچه اکنون مطرح می‌کند، استفاده نمی‌کرد؟ اینکه آیا برای تغییر و اصلاح امور لازم است صرفاً راس يك قوه قرار داشته باشیم؟

به نکته مهمی اشاره کردید. متأسفانه مشکل اساسی ما این است که امور را به‌طور سیستمی و با نگاهی کلان‌نگر دنبال نمی‌کنیم. در واقع همین نبود مدیریت سیستمی باعث می‌شود افراد این‌طور تصور کنند که برای ایجاد تحول صرفاً باید راس يك دستگاه قرار گیرند و همزمان باعث می‌شود بدنه مدیریتی نیز چندان تمایلی به مشارکت نداشته باشد. حال آنکه در صورت وجود مدیریت سیستمی، آنچه از راس يك دستگاه مطرح می‌شود، از سوی بدنه به‌دقت دنبال شده و با همان جدیت اعمال می‌شود. در واقع شاید بخشی از مشکلات ما، از جمله همین اتفاقاتی که در زندان‌ها شاهد بودیم یا بحث ویدئوهای که از زندان اوین منتشر و گفته شد که مربوط به سال‌های قبل بوده، ناشی از همین امر است. در دوران ریاست آقای ریسی در قوه قضاییه نیز بحث‌های بسیاری درباره تحول قضایی مطرح بود اما این مباحث لزوماً در سطوح پایین‌تر دیده نمی‌شد و مشکلات همچنان در بسیاری از حوزه‌ها به چشم می‌آمد. من سال‌هاست در مصاحبه‌های مختلف خود تأکید کرده‌ام که راه‌حل همه مشکلات کشور، بی‌تعارف عمل به قانون از طرف صدر تا ذیل جامعه است و تنها وقتی می‌توان نسبت به بهبود اوضاع امیدوار بود که از صدر تا ذیل همه دستگاه‌ها نسبت به اجرای قانون پایبند باشند و بدنه مدیریتی آنچه را که به عنوان سیاست تحولی در راس آن دستگاه مطرح می‌شود، با جدیت و عزم و اراده راسخ دنبال کنند. شاید علت بخش عمده مشکلی که بنده در خصوص عدم همگرایی میان بخش‌های مختلف حاکمیت مورد انتقاد قرار دادم، همین بود که مدیریت یکپارچه و سیستمی باشد، چراکه در صورت دیگر شاهد این نخواهیم بود که مثلاً از يك قوه از اصلاح‌طلبان كمك بخواهند و در قوه‌ای دیگر علیه آنان اقدام شود. ما اصلاح‌طلبان با شناخت و فهمی که از شرایط خاص این روزهای کشور داریم، بسیاری از انتقادهایی را که در امور و شؤون مختلف از جمله بحث برگزاری و نظارت بر انتخابات و موضوع نظارت استصوابی داشته و داریم، با نگاهی منطقی دنبال می‌کنیم و در عین حال سعی داریم با توجه به شرایط خاص کشور، هر آنچه در توان داریم، برای خدمت به ملت به کار ببندیم اما نباید فراموش کرد که تحقق این مهم در گروی آن است که با نگاهی همدلانه با منتقدان رفتار شود و شاهد تکرار تناقضها در اعمال و گفتارها نباشیم.

